

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: دیپلوم انجنیر نسیرن معروفی
۲۰ جون ۲۰۱۴

سوسیالېزمېن روس و جناياتش
در افغانستان

مبارزات قهرمانانه روستفکران افغانستان بهمن اسلا
سیلاب تنیدی افرید که طلسم سکوت را در روز سم عقرب سال
(۱۳۴۴) درهم شکست و نوای ازاد یخواهی را بگوش‌ها طنین افکند
سم عقرب حما سه ای بود پرفروغ که نورش پرده ظلمت درید
و نمود فرد ای روشن شد . اری سم عقرب که روشنگر راه مبارزات مردم
گردید، چراغش بهمت شهد ای بخون خفته خلق برافروخته شد
که خاطره تابناک شهادتشان در همه قلبهائیکه بخاطر ازادی می
تپد، جاودانه باقیست .

ازان به بعد تاریخ مبارزات مردم وارد مرحله نویی گردید که جویبارش
خروشان به پیش می‌رود ، گرد و خاک را از مسیرش کنار می‌زند .
ازان به بعد توفانها می‌غرد، جرقه ها شعله می‌افروزد، باد ها
تند و تند تر می‌وزد، کاروان ها به شرق می‌روند - چرا که طلیمه ای
فردای روشن است . محمل امل زحمتکشان شتابنده میشود - چرا که
می‌بید در حال دیدن است .

بتاء می از حما سه سم عقرب هوا داران اتحادیه عمومی استادان
محصّلین و دانشجویان افغانی در امریکا نشریه حاضر را تقدیم هموطنان گرامی میکند ،
تا باشد که مبارزات رزمنده شان را در سرنگونی دولت تره کی شور و شوق فزونی بخشد

انقلاب ۱۹۱۷ اکویر روسیه بر رهبری طبقه کارگر انکسور ضررت شدیدی بود که بر پیکر بورژوازی بین المللی وارد آورد. از آنیکه پرچم سن انقلاب بدست طبقه کارگر روسیه باهتزاز در آمد، بورژوازی بین المللی سخت در هراس بود. مبارزات خلقهای جهان در مقابل بورژوازی منبع الهام جدیدی یافت. پیروزی انقلاب در روسیه ثابت ساخت که طبقه کارگر میتواند نقش دورانساز خود را در تکامل تاریخ بشریت ایفا نماید. پروتاریای کشورهای سرمایه داری بحقیقت مبارزات خوشحالی برده و به پیروزی ان ایمان عبقری پیدا کردند. شعل مبارزات خلقهای جهان در مقابل یوغ استعمار و امپریالیسم روز تا روز افزون تر گردید. توطیه های ارتجاع بین المللی در مقابل رهبری خردمندان حزب پیروزمند طبقه کارگر روسیه نقش بر آب شد. تجربه آموزی انقلابیون روسیه از شکست کمون پاریس و رهبری خلا قانه خلق در انقلاب سرانجام بورژوازی بین المللی را مجبور به قبول واقعیت پیروزی طبقه کارگر روسیه بر بورژوازی کرد. ارتجاع بین المللی از همان آغاز پی برد هرگاه خلقها در مبارزه با مرتجعین سلاح برنده ایدیولوژی انقلابی خود را بکار برند پیروزی خلقها بر ارتجاع امری است حتمی. منجمله بورژوازی شکست خورده روس که از انقلاب اکویر زخم التیام ناپذیر برداشت شیادانه در پی انتقام بود تا خلق آزاد شده را دوباره در بند دیکتاتوری خوشکسانده و زحمتکشان را از سلاح شان محروم سازد. اری این حمله علیه دولت جوان پروتاریا روس درست از درون حزب صورت میگردد. خروش این ننگ تاریخ با کودتای درون حزبی رهبری حزب را بدست گرفت، باصول انقلابی پشت پا زد و بر انقلابیون بلند همت عصر یازدن گرفت. خروش مرتدبایانی مرتجعین بین المللی زیر شعار اندیشه انقلابی بر ضد اندیشه انقلابی و انقلابیون مترک دست بمبارزه زد. بنام اندیشه انقلابی ترهای من در اونی خود را که از زراد خانه بورژوازی بین المللی بمعاریت میگرفت عرضه و ماهیت ارتجاعي خود را اشکار کرد. سرانجام خروش قلب ماهیت شده با دارو دسته اش ماهیت حزب پر افتخار پروتاریای روس را بحزب سرمایه داری انحصاری بیروکراتیک تبدیل کرد.

این حمله خروشف و دنباله روان معاصرش که بمزاج ارتجاع بین المللی جور در آمد مورد پذیرش و استقبال سیاه ترین حلقه های بین المللی قرار گرفت. از امپریالیستهای امریکائی گرفته تا نوکران شان در اقصی نقاط جهان از آن بیعده تمایلات شوروی پیدا کردند چه خروشف نه تنها تکیه گاه مطمئن شان گردید بلکه روزی نیز خروشفی پامخگوئی نیازمندیهای شان در آموزش بارزه بر ضد خلق شد که در مکتب ان شاگردانی بینمار اسم نوشتند. از انجمله دولت ظاهر شاه خائن بعد از چیره شدن روزی نیز خروشفی در کشور شورای با وجود وابستگی کاططی با امپریالیسم امریکا و بیژروازی غرب تمایلات شوروی پیدا کرده انرا کشور " همکار " " برادر " و " دوست " خوانده و در پی توسعه مناسبات اقتصادی - سیاسی همکاری متقابل و دید وادید های عمیقات های حسن نیت و بالاخره باعث سفر خروشف بافغانستان گردید. ظاهر شاه خائن پسر از علم اوری و آزمایندندان زهری خروشف که او را از قنات خود یافت با اعتماد کامل دروازه های کشور را بروی کلا های روسی باز کرد.

بیژروازی روس که در زیر سلطه " دیکتاتوری حزب طبقه کارگر از رشد باز مانده بود با غصب قدرت بعد از کودتای خروشف با حرص و ولع خاص در صد تسخیر مارکیست های جدید شد تا در رقابت با امپریالیستهای امریکائی و غربی عقب نمانده باشد. سرمایه های دولت سوسیال امپریالیستی روس روز تا روز در پروژه های کشاورزی - استخراج معدن - پروژه های تحقیقات باستانشناسی - خانه سازی - پروژه های عمرانی و پروژه های شرکت سازی سرا زیر شد. دولت خائن ظاهر شاه شریان های مع اقتصاد کشور را بدست دولت روس تسلیم و افغانستان را مارکیست بنجل های روسی ساخت.

ظاهر شاه روز تا روز در عین وابستگی ان با امپریالیستهای امریکائی و غربی از حمایت بیژروازی روس نیز خود را برخوردار ساخت. سوسیال امپریالیستهای روسی برای جلب اعتماد دولت ظاهر شاه ارتش فیودالی را با سلاحهای فرسوده جنگ عمومی دم که جز برای سرکوب خلق از آن استفاده دیگری نمیتوانست صورت گیرد تجهیز کرد. ظاهر شاه در ازای خدمت دولت شوروی در راه تحکیم دولت ارتجاعي خوش امتیاز استخراج گاز را بانها واگذار و قرار داد فروش انرا بنرخ ثابت يك بر سم قیمت بین المللی برای مدت بیست سال عقید کرد. سوسیال امپریالیستهای روس تا حال سالانه ملیارد ها متر مکعب گاز افغانستان را دزدیده و انرا به قیمت بلند تر از نرخ بین المللی بالای اقمار ارومائی خود بفروش میرساند.

جالب‌تر اینکه دستگاه گاز منج در داخل خاک شور و ی نصب گردیده که افغانها را از نظارت بر مقدار گاز صادر شده محروم کرده است. در واقع دولت خاین شوروی در این معامله خود کوزه گر و کوزه خور و کوزه فروش است که هر مقدار گاز را به هر قیمتی خواسته از دولتهای افغانستان منجمله دولت تره کی بدست آورده و ثروت خلق بی لباس-بی مسکن بی آب و نان و محروم از ابتدائی ترین حقوق مدنی را بتاراج می برند.

دولت فانیستی سرمایه داری بیروکراتیک روسیه با تجمع ارزش اضافی و استثمار خلق روسیه و سایر خلقهای جهان سرمایه هلی هنگفتی بچنگ آورده که با صدور آن در کشورهای عقب نگه داشته شده سود بیشتری از خون و عرق زحمتکشان بجیب بیروکراتهای کرملن نشین می ریزد. امپریالیسم نوپا خاسته شوروی برای رقابت با امپریالیستهای دیگر بر سر تسخیر مارکتهای جهانی اینک با قلی سوسیالیزم سرمایه هلی خود را بسود نازل تر از سایر کشور هلی امپریالیستی دیگر صادر کرده تا از یکطرف ماهیت امپریالیستی خود را پوشانده و از جانبی سرمایه های خود را برای چپاول هرچه بیشتر خلقها توسعه دهد. دولت ظاهر شاه پروژه فارم کشاورزی هده (فارم مالته و زیتون ولایت ننگرهار) را بسرمایه گذاران روسیه اعمار و فروش محصولات انرا قرار داد بیست ساله بقیمت ثابت با دولت ضد خلقی شوروی عقد نمود. دارودسته کرملن نشین علاوه بر اینکه ملیونها افغانی خلق افغانستان را از درک معاش متخصصین روسی، فروش وسایل تخنیکي برای اعمار فارم بجیب زدند، با هاضا قرار داد خائنه ای امتیاز خریداری محصولات فارم را برل مدت بیست سال بقیمت يك و نیم الي دو افغانی در مقابل يك پوند مالته که حاصل عمده فارم است از دولت ظاهر شاه بدست آوردند. خوانندگان توجه کنند که سرمایه های روسی مانند سرمایه سایر کشور های امپریالیستی با انحصار خریداری محصولات فارم بقیمت يك بر هتم آنچه که مردم افغانستان می پردازند، خلق افغانستان را از استفاده آنچه که خود با نیروی بازو و عرق جبین خوش تولید میکنند محروم ساخته است. قلیل توجه اینست که با ختم قرار داد بیست ساله یا فارم از محصول دهی بکلی باز میماند و یا پایتترین گراف تولیدی خواهد داشت که دیگر با اعمار آن روسها علا قندی نخواهند داشت مگر برل چپاول و بدست آوردن امتیازات بیشتر.

امپریالیستهای روسی در پروژه هلی راه سازی افغانستان دلچسپی بخصوصی نشان داده قرار داد اعمار شاهراه سالنک را که خط اتصالی شمال با جنوب کشور است بالای دولت ظاهر شاه

قبولاندند. در اعمار این شاهراه از یکطرف راه هلی ترانسزیتی برای انتقال سریع و ارزان مواد خلم بشوری و دفن کردن بنجل هلی روسی، و از جانبی تدارک برای ایجاد تسهیلات در سوق و تعبیه نیروهای نظامی روسی در افغانستان دیده اند تا در موقع جنبش خلق بکومک دولتهای دست نشانده خوش شتافته و از جانبی هم زمینه تجاوز بخاک افغانستان را مهیا کرده باشند.

دولت شوروی علاوه بر اینکه سالانه با گرفتن سود سرمایه گذاری خود در کارخانه جات جنگل از خون و عرق کارگران افغانی سرمایه های خود را فرسوده تر میسازد، تولیدات فابریکه را کاملاً منحصراً به صنایع متاور و دستگاه بسته کاری و جوش کاری ماشین الات و پروژه جات روسی تبدیل کرده اند.

همانطوریکه تسخیر مارکینهای جدید سایر کشور های سرمایه داری بخصوص امریکاییسم امریکا مستلزم حمایت و پشتیبانی نظامی میباشد، دولت شوروی نیز برای حفاظت منافع غارتگرانش از خلق افغانستان نفوذ نظامی خوش را بسط و توسعه داده نمایندگان (کپی . جی . پی) را در لباس مشاير نظامی - آتشه نظامی - کارشناس ... وارد افغانستان و پستهای مهمی را اشغال کرده اند. نفوذ اقتصادی و نظامی شوروی دولتهای افغانستان را وادار به باج دهی کرده با استفاده از آن مارکیتعلی جدیدی ایجاد و آنرا با کالای روسی مبادله کردند. بطور مثال وسایل نقلیه روسی (برعلاوه وسایل نقلیه نظامی روسی که در افغانستان رقم درشتی را میسازد) تا سال ۱۳۵۲ بیش از هفتاد درصد عراده جات کشور را تشکیل میدهند این عراده جات مانند سایر کالای پوسیده و بنجل در افغانستان پس از یکمذت کوتاه با بکلی از استفاده باز میماند و یا ترمیم کاری گرانی بقیمت خرید یکمراهه دیگر را لازم میدارد.

تشکیل حزب "خلق":

دولت روزونیستی شوروی در پهلوی کالای اقتصادی دست بمذور کالای فرهنگی زده تا زمینه سپاشی ایدئولوژیک را مانند سپاشی شان در جنبش خلقهای سراسر جهان برای مهار زدن مبارزات انقلابی خلق افغانستان آماده ساخته و کاروان شتابنده انقلاب را در جابزدند. گیاهان زهری از قماش نور محمد تره کی و ببرلنکارمل با وزن نیم زهر آگین روزونیزم بین المللی سر از خاک بلند کرده با اعضای برجسته خاندان سلطنتی در بستر روزونیزم در افغانستان روبه نشو و نما گذاشتند. این نیم روزونیزم خروشی به نام سرداران مستبد

که دیگر سر نیزه شان افشته بخون خلق افغانستان در مقابل مقاومت مردم فرسوده شده بود خوش می خورد . دیگر جو روزنیزم تبرقصابی را از دست شان گرفته انها را به بودای نیک صفت تبدیل می کند . سردار بزرگ از کرمی صدا رت " استعفا " می کند از کرده بشیطان می شود و در پی " تجدید تربیت " می رود سردار بزرگ بر سفره رنگین سلطنت در اندیشه کارگر و دهقان می افتد ! او غضبناک از جامی پر د بر شاه و یا " یارانش " می تازد . غضب ملوکوتی سردار بزرگ بر شاه اثر میگذارد و شاه را از یارانش بریده . " جناح چپ " خاندان ملطنی را تشکیل میدهد ما ساله ۱ چه اعجازی بزرگ که تاریخ در خود ندیده است ! حقا که کرامت روزنیزم خاندان ملطنی را نه تنها " چپ " حتی دست اندر کار تشکیل " حزب خلق " میکند . خاندان ملطنی که دیگر با ساطور قصابی اش نمیتوانست توده ملی مردم را بفریبد جلو ابتکار رابروزنیستها سپرده تا در پی توطئه بر ضد خلق برآمده معجونی از عناصر سیاو کی جی بی ترکیب و انرا در صدر رهبری جنبش خلق قرار دهد . خوانندگان به اعترافات ببرک " عضو برجسته " و گاهی هم رهبر " حزب خلق " توجه کنند :

" حقیقت مسلم اینست که کنگره اول (کنگره مؤسسن) طوریکه (طریق الشعب) نوشته است متشکل از ۲۷ عضو که از طرف در حدود ۶۰-۷۰ تن وابسته به حلقه های ۰۰۰ بود که از همان فردای تشکیل کنگره تا کسوت (۱۸) تن از آنان یا بگروه های مختلف از جمله با صلااح بیطرفها نوسانیا غاسیرنالیستها و بیروکراسی رژیم شاهی پیوستند و یا بکلی عرصه مبارزه را ترک گفتند " (دروغا و جعلیات نور محمد تره کی و شرکا افشا می شود صفحه ۶ پاراگراف دوم) . در جلی دیگر میخوانیم : " همچنان بعد از تماس نور محمد تره کی با ظاهر شاه (پادشاه مخلص) و بعد از نشر مرام دموکراتیک خلق در شماره اول و دوم جریده " خلق " در شماره (۵) مورخ (۱۱ نور ۱۳۴۵-۹ می ۱۹۶۶) جریده خلق تحت عنوان " دین اسلام ، قانون اساسی ، نهایی مشروطه " بصراحت گفته می شود " سلطنت مشروطه یک عنصر مترقی بوده " (دروغا و جعلیات نور محمد تره کی افشا میشود ص ۸ پاراگراف دوم) (تکیه روی کلمات از ماستم .

خرد باختگان روزنیست ! در حالیکه خود به نشر مرام جریده " خلق " (ارگان نشراتی " حزب خلق ") بعد از تماس (در واقع دستور گیری) نور محمد تره کی از ظاهر شاه اعتراف می کنید چگونه باز هم از عناصر ملی و دموکراتیک توقع مانند و حتی مبارزه از طریق ان لانه جاسوسی دولت ظاهر شاه و ارتجاع بین المللی را دارید ؟!

بریدن ۱۸ تن اعضای "کنگره مو" سر خلاف ادعای روبرو نیستها دال بر صداقت و هوشیاری عناصر ملي و دموکراتيکي است که نه تنها "حزب خلق" بنياد شده ظاهرشاه، لانه جاسوسي و ارتجاع بين المللي را از همان "کنگره مو" سر ترد وافسا کردند بلکه تا امروز قاطعانه در مقابل ارتجاع داخلي و خارجي، امپرياليسم و سوسيال امپرياليسم، سرگرم مبارزات انقلابي بوده و تا نابودی کامل آنها مبارزه خواهند کرد. بریدن دو نسل اعضای "کنگره مو" سر از همان فردای "کنگره" بوضاحت قلابي بودن "کنگره" و جاسوس بودن "کنگره" چنان را همانطوریکه ببرک بر جاسوس بودن تره ک و تره ک بر درباری بودن ببرک شهادت داده اند بآیات میرساند. خوانندگان بلغترافات ببرک توجه کنند: "تعجب اور خواهد بود که ضنا یاد اور شوم که در روز جلسه رای اعتماد صدر اعظم میوندوال کمیته مرکزی فیصله کرد که باید فرکیون (حزب) در ولسي جرگه (پارلمان) برلی میوندوال رای عدم اعتماد بدهند. بالعکس نور محمد تره کي در خفا بصورت شخصي بالای فرکیون فشار میآورد و تهدید میکرد که باید علي رغم تصویب کمیته مرکزی رای اعتماد داده شود." در جای دیگر: "تکه قابل یادداشت اینست که نور محمد تره کي وقتی اتنه مطبوعاتي در امریکا بود دوستي خالصانه لی با شلفلي میوندوال سفیر کبیـــــر افغانستان در واشنگتن داشت. شاید این عا طفه دوستي بود که چنین درخواستي از فرکیون (حزب) ما در ولسي جرگه میکردند... (مراجعه شود به نشرات نیویارک تایمز (شماره ۱۲ نوامبر ۱۹۵۳) و مصاحبه لی مطبوعاتي نور محمد تره کي در واشنگتن که با عکس و انتشار یافت و در آن از امریکائي ها برای نجات افغانستان طلب کمک کرده است و مسأله ترک تابعیت نور محمد تره کي و تصیم او بقبول تابعیت از انگلستان و همچنان مصاحبه اقلی میوندوال و تضمین وی از نور محمد تره کي در همین شماره)". در ادامه ان میخوانیم: "در این هنگام میوندوال صدر اعظم و یک عده ماموران عالیرتبه نیز در افکار عامه بر اساس نشرات بین المللي مهم همکاری اداره سیاشده بود و حکومت در لب پرتگاه سقوط قرار داشت. بالاخره اعتراف را چنین میخوانیم: "توجه کنید! در همین هنگام دست سیا در درون (حزب) ما که مواد داخلي ان قبلاً آماده بود آشکار میگردد... تکه روی کلمات از ماستم."

این اعترافات رو دراست دارو دسته بیرک نه تنها جاسوس بودن تیره کی و حلقه اش را ثابت میکند - بلکه بیرکی ها بجا سوس بودن خود نیز اعتراف میکنند . در صورتیکه تیره کی ها جاسوس بودند که یقیناً هم بودند و تیره کی ها دریان بودند که باز هم بودند چگونه انبایون بیرکی ها حاضر به تشکیل حزب و همکاری با تیره کی های جاسوس شدند اگر خود جاسوس و دریان نبودند؟! واقعیت اینست که :

" کیوتربا کیوتربا زاغ با زاغ کند همچنس با همچنس پرواز"

بدینترتیب جاسوس های دربار حزب نام نهاد خلق ، این ستون پنجم ارتجاع بین المللی را ایجاد و چون پیامبران بی امت بخندم دربار محمد ظاهر شاه می شتابند . اکنون که تصویر واقعی از لانه گذاری دارو دسته تیره ک - بیرک جاسوس های حرفه ای ارتجاع را بدست آوردیم اینک میروم در پی افشای خدمتگذاری های شان بدربار سلطنت .

حزب خلق در خدمت خاندان سلطنتی :

خاندان سلطنتی برای اینکه پایه های لرزان خود را در بین مردم استحکام بخشد و چند روزی بممر تنگی خود ادامه دهد در میزبان سال ۱۳۴۳ بایادی سازمان سیا در امره دموکراسی را مورد نمایش قرار داد و "قانون اساسی" جدید بیان آورد . بموجب این قانون نخست وزیر نمیتواند از اعضای خاندان سلطنتی باشد! قانون اساسی توسط "نمایندگان" ملت در پارلمان تصویب و پس از تعدیلات لازم شاه انرا توشیح میکند! شاه عاری از هرگونه مسئولیت بوده و صلاحیت انحلال پارلمان را دارد!

در پرده اول نمایش سردار محمد داود دیگاتور بینظیر عنصر در نقش عنصر چپ محمد ظاهر شاه (سیا) در نقش عنصر میانه تمایل بچپ و سردار شاه ولی کاکای ظاهر شاه با پیرش جنرال سردار عبدالولی در نقش جناح راست خاندان سلطنتی روی صحنه نمایش حاضر میشوند (این تحلیل و تجزیه طبقاتی دارو دسته تیره ک - بیرک است که با اساس ان خاندان را بجناح "چپ" ، "میانه" و راست تقسیم و داود را عنصر "چپ" میدانستند . این تحلیل و تجزیه بخضکه استعمار داود توسط قاری امان تاجر کمپرادور انجامید که بنظر آنها باید از مواضع "چپ" داود دفاع کرد!). خاندان سلطنتی هر کدام ارایش غلیظی بسرو صورت میمانند تا نمایش موفقانه اجرا و مورد قبول مردم قرار گیرد . اکنون خاندان سلطنتی در مقابل دستپروردگان خود چلنجی قرار میدهند تا حقانیت دموکراسی شاه ، قانون اساسی و پارلمان ارتجاعی

را در بین مردم تبلیغ و انرا بر مردم بقبولانند . بناً سي از اعتماد سلطنت حزب "خلق" تره كـ
 بـېرك اين رسالت خاندان را از دل و جان بديرا گرديده و شروع به نشر جريده اي درباري بنام
 "خلق" ميكنند . جريده اي خلق در مدح و ثناي خاندان چنين بكلام آغاز ميكند : "بـر اى
 اينكه تا حدودى تضاد ميان طبقات حاكم و طبقات تحت ستم كم شـود، در ميزان ۱۳۴۳ بر اساس
 اراده خلق وطن و به نسبت درت و تشخيص درست اعليحضرت معظم همايوني قانون اساسي جديد
 بـيان اند . . . " (شماره (۳) مورخ (۵ نور ۱۳۴۵) زير عنوان (ت آزمايش ديگر بزبان پشتويه بله از مومنه)
 خوانندگان توجه كنند كه روزيونيستها چگونه درت و تشخيص "اعليحضرت معظم همايوني" را در
 توطئه بوجود آمدن قانون اساسي بمنظور تضعيف تضاد هاى طبقاتي ، اشـي دادن شاه بـا
 مردم ، از طريق شـشـو دادن روى كيف ظاهر شاه خدمات شـا ياني بخاندان انجام دادند .
 ايا تره كـ بـېرك امروزي همان عناصرى نـستند كه دوازده سال قبل كـمـر خدمت بارتجاع
 بستند ولي امروز همان قانون اساسي خود ستوده و همان "اعليحضرت معظم همايوني"
 خود را بـباد انتقاد ميگيرند ؟!

اقايون تره كـ بـېرك ! در ان زمان كه توطئه ضد خلقي ظاهر شاه و (سيا) را در بوجود
 آوردن قانون اساسي قلابي بيشرمانه ستايش ميكرديد چگونه امروز روى ان موضعگيري ميكنيد ؟
 ايا شاه در ان زمان خلقي بود كه شما در مواضع دفاع از شاه قرار گرفته بوديد و يا شما ضد
 خلقي كه توطئه شاه را مدح و ثنا خوانديد ؟! جواب اين سؤال را در شماره (۵) مورخ
 (۱۹ نور ۱۳۴۵) جريده "خلق" چنين ميخوانيم : "سلطنت مشروطه يـت عنصر ملي و
 مترقي بشمار ميرود . در جاي ديكر . . . بالاخره با اساس اراده ملت و رهنمائي مديرا
 اعليحضرت پادشاه افغانستان براى اولين مرتبه در كشور اصل مشروطيت در ماده اول قانون
 اساسي اعلان گرديد . و بدنيال ان ادعا گرديده : "اصل دولت پادشاهي مشروطه
 وثيقه خونبهاي فرزندان صديق وطن . . . است" و با الاخره در پاراگراف ديگر همين مضمون
 ميخوانيم : "ماده هفتم و يازدهم قانون اساسي كشور كه جريده خلق انرا احترام مينمايد ميگويد :
 "پادشاه غير مسئول و واجبا ل احترام است . . . پادشاه از حقوق مردم حفاظت مينمايد ."

اينست اثينه نماي واقعي روي و نيستها كه امروز رسالت شاه پرستي را فراموش كرده دم
 از انقلاب ميزنشد و بر خاندان سلطنت دندان ميچونند . اقا يون بـېرك تره كـ ! اين مگر شما
 نبوديد كه توطئه (سيا) را در بوجود آمدن قانون اساسي وثيقه اي خونبهاي فرزندان
 صديق وطن ميخوانديد ؟! اين مگر شما نبوديد كه محمد ظاهر شاه جلا د خلق افغانستان را حامي مردم

و "حافظ حقوق مردم" خواندید؟^۴ ! این مگر شما نبودید که پادشاه این دشمن خلق افغانستان را واجب الاحترام خواندید؟^۴ ! ذهی وقاحت و پیرروئی ! آخر فحشای سیاسی هم حدی دارد ! گاه خود را در نقش شاه انداختن و زمانی هم جلوه‌ای بر مردم زدن - گاه از کی . جی . بی . دستور گرفتن زمانی با سیا کنار آمدن . آخر این همه خود فروشی و وطن فروشی برای چه ؟

مرتجعین روز نیست ! اگر شاه حامی مردم و حافظ حقوق آنها بوده اگر قانون اساسی در انحراف از اراده ملت بوجود آمد مآگر شاه عنصر ملی و متمدنی بنما .

واجب الاحترام بود مآگر پارلمان کانون ارتجاع افغانستان بزم شما "مظهر اراده خلق" افغانستان بود پس مردم افغانستان در فرخنده ترین عصر اجتماعی بسر میبردند که نیازی به مبارزات قلبی و سازمان درباری "حزب خلق" و کودتای شما نداشتند .

زمانیکه نور محمد تره کی بان همه بی زبانی در اذای خدمتاش مورد الطاف شاهانه قرار میگرفت شعله "حسرت سرتاپای وجود ببرک را فرا گرفته از تریبون پارلمان ظاهر شاه نطقهای اثباتی ایراد و روی تره کی را در شاه پرستی سفید میکند . ببرک سرخ زبان "در بیانیه اسد ۱۳۴۵ به نمایندگی از فراکسیون پارلمان "حزب خلق" محمد ظاهر شاه این جلاد خلق افغانستان را "متمدنی توین شاه" خواند تا دستهای قشته بخون ظاهر شاه را در انظار مردم مقدس جلوه دهد . ببرک در این بیانیه سرتاپای ارتجاعی اش بیاد محفل غای مجلل میخواری و میاشی دربار می افتد و دارائی وزارت دربار را برای تهیه مخارج بیشتر دربار نا کافی و حتی نا چیز می خواند . ببرک در واقع زمینه چاییدن مردم را برای تهیه مخارج بیشتر دربار مهیایم ساخت تا جرعه از مینا - ریزه ای از خون و جلوه ای هم از رقاصه های غربی ظاهر شاه را نصیب شود . اری زمانیکه ببرک محمد ظاهر شاه را با زور "تمدنی" و یکتاز بودن میدان "دموکراسی در شرق" ارایش میکنند و دست های قشته بخون او را مقدس جلوه میدهند ، نور محمد ترکی دیوانه وار بمیدان هوایی کابل شتافته حسین باز گشت محمد ظاهر شاه از شوروی دست های کیف او را بوسه میزنند . هنگامیکه تره کی با دست بوسی شاه از ببرک پیشی میگیرد ببرک مراتب خدمتگذاری خود را با ایراد بیانیه ای شاه پرستانه اش نا چیز یافته هراسان از خود سوال میکند : "ایا در مقایسه با نظرات شاه پرستانه نور محمد ترکی (منشی عمومی) در مقالات (تیلنک شان) و ارتباطشان با شخص پادشاه مایا در مقابل شتافتن آقای

تره کي بريدان هوائي کابل بغرض استقبال و دست بوسي شاه . . . ، ايا در مقايسه با پافشاري جناب نور محمد تره کي بمنظور تعميم و تحمیل مصرا نه این "تنوی" که "پادشاه غیر مسئول و ماورای طبقات است" میتوان با این بیانیه هم در "مقام شاه پرستي" جاني پيدا کرد ؟

اری اقلی بیرک ! با وجود پیش دستی تره کي شما هنوز هم در مقام شاه پرستي جاني بخصوصي داشته اید . دربار محمد ظاهر شاه نه تنها به چاکراني مانند تره کي "بیزبان" برای دست بوسي لازم داشت بلکه بارایشگراني " سرخ زبان" چون شما که چهره سیاه ظاهر شاه را باقبای "ترقي" و "دمکراسي" سرخ ارایش کند و مردم را با شاه اشتی دهد هم نیاز داشت . دموکراسي ظاهر شاه و صحنه سانی روزنیستها بهمت مبارزات ثوریت سیاسی انقلابیون پرده دموکراسي قلابي ظاهر شاه را درید و سرنای جارجیان روزنیست را که سرود دموکراسي ظاهر شاه را از سرگشادش میسرودند بزمن افگند . همینکه دموکراسي بانی خاندان سلطنتي به بن بست کشید ، دستگاه (سیا) کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را سرهبنی و در حالیکه محمد ظاهر شاه در اروپا بسر میبرد محمد داود جلاد عضو برجسته خاندان سلطنتي با قبای "جمهوریت" بخاطر حفظ منافع خاندان سلطنتي و ادامه سیستم فرتوت ظاهر شاه روی صحنه ظاهر میگردد . محمد داود در حالیکه چون اسلافش سر خدمت بامپریالیسم امریکا و غرب بسته بود روزنیستهای مسکورا نیز با دادن امتیازات اقتصادی - نظامي و سیاسي دل بدست گرفت . او در اولین بیانیه صبحگاهی کودتا روزنیستهای شوروی را دوست نزدیک خود اعلان کرد و روابط چپا و لگرنه آنها را در افغانستان قابل احترام و خلل ناپذیر خواند .

داود بلا درنگ در همان بیانیه اول سیاست خارجی خود را ابلاغ و دران شوروی را " همسایه شمالي و کشور معظم دارای روابط حسنه " با افغانستان خواند . او حفظ و توسعه " روابط حسنه " دولتش را با شوروی وعده داد . دولت روزنیستهای شوروی که از دیر زمانی با اصول انقلابي و دفاع از خلق پشت پا زده و هوای تشکیل امپراطوری بسر دارد اولین کشوری بود که دولت ارتجاعی داود را برسمیت شناخت . دلکهای کوی سوسیال امپریالیسم شوروی نه تنها در افغانستان بلکه در هند - عراق - اروپا - و بالخاصه دار و دسته خائن کیمه مرکزی حزب توده ایران از کودتای داود استقبال گرم بعمل آورده شروع برقص و پا کوبی کردند . دارودسته خائن کیمه مرکزی حزب توده ایران ، برادران صلبی بطنی محمد رضا شاه این جلاد خلق ازادمنش ایران ، در نشرات ارتجاعی شان از " تغییرات بنیادی " در انتر رویکار آمدن رژیم داود دم زدند .

بدیترتیب محمد داود بدنبال افتضاح بخش اول نمایش "دموکراسی - قانون اساسی و پارلمان..." که بشکست کامل انجامید قحط دم انرا "جمهوریت" عنوان کرده و در نقض عنصر چپ بنمایش افزاز میکند ۱۰ و در بیانیه اثر از مردم نام می برد . از انقلاب صحبت میکند باز کارگر و دهقان حرف می زند و بیاناتش را زیر عنوان "خطاب بمردم" ایراد میکند . داود با پرتاب سیبی در دل دارودسته ترک - ببرک این میمون های بیخرد سخت شوق و شور افکند و آنها را بسرای گرم ساختن نمایش خود خوشرقصاند . داود عناصر روزونیست و ابشسته به دارودسته تره ک ببرک را در بیروکراسی دولتی خود راه داد از ایشخوار روزونیسم تغذیه تئوریک کرد و لاطالاتی چون تقویه سکور دولتی - راه رشد غیسر سومایدارن دولت عمم خلقي را از زرا د خانه خرشف بعاریت گرفت و انرا برناه دولت کودتائی خود اعلان کرد .

ذهبی سعادت که نصیب خلق افغانستان شد ۱ باز هم بدعت خرشف - برژنف که حتی سردار بزرگ در جور روزونیسم شان " تجدید تربیت " می شود و علاوه سلطه ای نیم قرن خاندان خود انقلاب میکند ۱ دارودسته تره ک - ببرک دیوانه وار باستقبال کودتای داود متافتند . جمهوریت نام نهاد داود را پدیدده ای مترقی خواندند و دفاع از انرا وظیفه کلیه انقلابیون کشور ۱ خلق دلیر افغانستان صحنه سازی ظاهرشاه - داود شاه را در همان صبح کودتای درک و در مقابل ان موضع گرفتند . دارودسته تره ک - ببرک روز نامه ای شبنامه نما با اشاره ابروی داود شاه بخش و در ان " جمهوریت " را مانند قانون اساسی و دموکراسی ظاهرشاه دست آورد مبارزات سالیان دراز خلق افغانستان خواندند . دارودسته تره ک - ببرک در خدمت دستگاه های جاسوسی ضبط احوالات (مستونیت ملی داود شاه) قرار گرفتند . روزونیست ها بیشرمانه در پی تبلیغ کودتای داود هیاهو براه انداختند و بیه بلند گوی دولت ارتجاعی داود تبدیل شدند . با همان زور "ترقی" و دموکراسی " که جهره ظاهرشاه را در زمان سلطنتش اراستند سر و صورت داود را غلیظ تر ارایش کردند . ظاهرشاه را که تا دیروز کسودتای

داود یکه تاز میدان دموکراسی در شرق میخواندند دیگر مستبد، بیکفایت... نامیدند. قانون اساسی را که دست آورد خلق افغانستان، پارلمان را که مظهر اراده خلق افغانستان تبلیغ میکردند دیگر ارتجاعی و سیاه خواندند. مدال های مظلای روز و نیم را از ظاهر شاه برای ارایش داود شاه بعاریت گرفتند تا سینه داود را بان مزین سازند.

داود دسته تره ک ببرک با رویکار آمدن دولت داود هر کدام حسودانه خود را بدربار داود نزدیک ساختند و خدمات یکدیگر در استان جمهوریت داود برای بدست آوردن مقام ناچیز خوانده وارد صحنه پلیمیک بازی میشود. خوانندگان به نوشته داود دسته ببرک در خطب به تره کی توجه کنند که چگونه خواسته است خود را بدربار داود مقرر شر سازد: "عناصر بیدار خلق بیاد دارند که در طلیمه ای ایجاد رژیم جمهوری در هیئت رهبری ان عناصر چپ و مرفقی، دموکرات و ملی اکسیریت و تسلط داشتند و پیروگرام (خطاب بعوم افغانستان) را اعلام کردند...".

خوانندگان همه میدانند که هیئت رهبری کودتای سرطان ۱۳۵۴ کی بود و پیروگرام خطب بعوم افغانستان را کی اعلان کرد. بنا بر ان عناصر چپ و جناح مرفقی "رژیم جمهوری" چه کی میتوانست باشد غیر از داود جلاد و داود دسته ک ببرک بدفاع از ان برخاستند و خواستار تطبیق برنامه های ارتجاعی او بودند. این مگر همان اقایون تره ک ببرک امروزی نبودند که خود را با ساز و برگ دولت فاشیستی داود سازگار ساختند و کودتایش را انقلاب نامیدند؟ این مگر اقای تره کی نبود که قانون فاشیستی جزای داود را که اجتماع حتی پنج نفر را ممنوع قرار داد بود طی تشریه حزب درباری خود تأیید و دفاع از انرا و ضیفه خود دانست؟ اقای تره کی! شما که امروز بر مسند همان داود تکیه زده اید و تاجش را بسر گذاشته اید چه تفاوضی میان امروز شما و دیروز داود وجود دارد که او را داود شاه میخوانید؟ اگر او را بخاطر تاج و تختش و فاشیسم او داود شاه میخوانید مردم حق دارد شما را تره ک شاه فاشیست و وطن فروش از قماش داود بنامند چه در واقعیت عمل تفاوضی میان شما وجود ندارد.

اینک هم قطعاتی از نوشته های امروزی روز نویسندگان: "وطن از استبداد سردار محمد داود نجات یافت، دوران برادری و برابری واقعی آغاز یافت...". در جای دیگر: "دستگاه فساد پرور و ضد ملی دولت و شبکه های جاسوسی رژیم فرتوت سلطنتی و نماینده ای برجسته ان محمد داود در زیر ضربات قوای هوایی و زمینی بیاری خدای توانا و به پشتیبانی تمام نیروهای دموکراتیکه ملی و انقلابی وطن محبوب ما افغانستان در هم کوفته شد...". در قطعه دیگر چنین مینویسند:

"دودمان نادر غدار و خصوصاً" سردمدار استبداد داود جلاد به نسبت کشتن روحیه شجاعت فطری مردم افغانستان گاهی در زمیند اور کند هار گاهی در کواز گاهی در هزاره جات تیغ از نیام بیرون کرد و مردم بیدفاع و شریف و وطن پرست دره هلی کنر را نیز بخت و خون کشید."

حضرات کودتا چي که در انزمان داود را چپ، ملي، مترقي و دموکرات خواندند ایا کستار مردم بیدفاع و شریف افغانستان را توسط داود فراموش کرده بودند؟ ایا بیانیه (خطاب بمردم) انهمه خونهای مردم زمیند اور کند هار، هزاره جات، کتواز و دره های کنر را از دستهای خون الود داود شستشو داد؟ واقعیت اینست که بیانیه (خطاب بمردم) که از حنجره پرزئف بزبان داود دیکه شد دارودسته تره ک ببرک را چنان مست و مدهوش ساخت که مغز علیل شان کستار داود را بدست فراموشی سپرد تره ک - ببرک خائنه روی خون هزاران هزار شهید بیگناه پا گذاشتند و داود قاتل را بيشرمانه "عنصر چپ"، ملي، مترقي و دموکرات" نامیدند. با تخطی از مواضع دیروزی خوش چنین می نویسند: "... در عهده این سردار خود خواه و جاه طلب تاریخ، سوء استفاده از قدرت دولت و همتی مردم بااوج رسید. رشوت میداد گری چپ و چپاول قانون عام جمهوریت قلابی داودی گردید. جنون بی پایان شهرت طلبی چشم این ستمگر تاریخ و جلاد مردم را کور کرده بود." (روزنامه انیس مورخ ۱۳ نور سال ۱۳۵۷ شمسی) روز نویستها که انزمان در ستایش داود به حیث عنصر چپ دهن پر اب میگردند و کودتایش را انقلاب و رژیمش را با کلمات ظریف و نفیس، طلیمه ای ایجاد رژیم جمهوری و "جمهوری جوان افغانستان" می ستودند چه اتفاقی افتاد که امروز بر نوشته های مستند دیروزی خود خط بطلان میکشند؟! روز نویستها که انزمان بمنظور استقرار و سوق جمهوری جوان کشور بجهت انقلابی و دموکراتیک و تطبیق مرام مشترک (خطاب بمردم افغانستان) که از همان صبحگاه اعلان رژیم جمهوری "باززه میکردند چه اتفاقی افتاد که امروز بران خط بطلان کشیده ان "رژیم جمهوری جوان افغانستان" را ادامه سلطنت نادر خان و داود "عنصر چپ" دیروزی را ستمگر تاریخ و جلاد مردم بخوانند؟!

واقعیت اینست که دولت داود برای روزنیست‌ها خوش‌درخشید ولی مستعجل ۱ تا زمانی که داود روزنیست‌ها را در خوان خود شریک بالاستحقاق وانمود میکرد دیگر قضیه کشتار مردم بین تیره ک-بیرک و داود در میان نبود. تیره ک-بیرک سر از گریبان داود بیرون میکردند همانطوریکه داود جامه و ار آنها را درخود پوشاند. ولی هنگامیکه چاکلی شان در استان ظاهره و سپس داود شاه خنای آنها را نزد مردم بیرنگ ساخت دیگر متاع شان در دربار داود هم بازاری نداشت. بنا بر این داود آنها را یکا یک از خدمت دربار مرخص و بساط شان را از دولت برچید. بدی ترتیب روزنیست‌های داخلی تبدیل به لاشه‌های گدیده سیاسی آماده دفن شدند که حتی داود کفار از تغذیه بر آنها عار داشت. از جانب دیگر وابستگی داود با امپریالیسم امریکا و سفرش به مرستان سعودی سوسیال امپریالیسم شوروی را با وجودیکه امتیازات بیحد و حصری که در افغانستان بدست آورده بود سخت ناراحت ساخت. انکشاف اوضاع در شرق میانه بفتح امپریالیست‌های امریکائی ملاحظات داود با سادات، میانجیگری محمد رضا شاه سگ زنجیری امپریالیسم امریکا بدستور کارتر، برای اعتبار دادن مذاکرات سادات-بیگن در "برقراری صلح در شرق میانه" بنظر مترجمین کرملین حرکت "ضد روسی" بود چه سرخ "ابتکار" درین مذاکرات بدست ابر قدرت امریکا بود که سوسیال امپریالیست‌های روسی از بهره‌گیری درین معامله میان ارتجاع عرب و امپریالیست‌های امریکائی بالای حقوق حقه خلق عرب بی‌نصیب میماند. علاقه نظریه حرم و ولع سوسیال امپریالیست‌های روسی در رسیدن بابه‌های بحر هند که از ارزوی دیرین شان است افغانستان یک منطقه مهم ستراتیژیک بوده که دولت‌های ارتجاعی افغانستان در زیر فشار خلق نتوانسته‌اند این مأمول دولت شوروی را تا امروز برآورده سازند. دولت شوروی برای تطبیق برنامه‌های نوم خود و رقابت با امپریالیست‌های جاپانی، غربی، امریکائی در چپاول خلق‌های قاره آسیا توطئه‌های اعضای "قرار داد صلح آسیائی" را براه انداخت تا از یکطرف دولت‌های ارتجاعی منطقه را مانند اقمار اروپای شرقی شامل پیمان‌های نظامی-سیاسی خود ساخته و خلق چین را تجرید کند از جانب دیگر پیمان‌های اقتصادی برلین چپاول بیشتر نروژهای منطقه (فانسد کیمکان در اروپا) در پهلوی پیمان نظامی سیاسی خوش در آسیا بوجود آورد. پس از شکست توطئه اعضای "قرار داد صلح آسیائی" در انر مقاومت خلق‌های منطقه، سوسیال امپریالیسم شوروی بعد از اختلالات مستقیم در امور داخلی کشور‌های آسیائی دست زده و از جانبی هم اختلافات مرزی بین کشورها را مفرضانه دامن می‌زنند

تا اب را گل الود و خود ماهي مراد" بگيرد. اوج گير ي اختلافات مرزي بين
افغانستان و پاکستان روی مسأله پشتونستان، تجاوزات دولت هند بر پاکستان
شرقي با تکی نیروهای نظامي روس، رویکار آمدن مجیب الرحمن، دامن زدن اختلافات
مرزي کشمیر با هندوستان مداخله شوروی در امور داخلي سری لانکا يك سری
حوادثي است که بدستور روس ها و دستياری احزاب رويزونيستي و دولت های ارتجلي
فضای سياسي منطقه را مکدر ساخته است. از جمله کودتای ۷ نور ۱۳۵۷ بر
مبنای سیاست تجاوزی شوروی دارودسته تره کدبیرک را از لبه گور نابودی براریکه
سلطنت دود شاه رساند که یقیناً این کودتا اقتاب به لب بام رسیده شان را به زوال
ایدن خواهد سپرد دارودسته تره کدبیرک نوکران گوش بفرمان شوروی با کودتای
۷ نور ۱۳۵۷ دیوانه وار دیهیمگاه سیا شاه دود خان را به اتکا دولت روسیه تصاحب
کردند. شبکه های جاسوسي کي جي بي بي بدستياری رويزونيستهای وطني کودتا را سرهبندي و
سر انجام تاج و تخت سلطنت را با تائیکه سالها در عطران بال و پیر سوختند تسلیم داد.
خلق افغانستان کارگداری ماهران سياسي - نظامي شوروی را چون اقتاب رخشان
همانروزیکه در "دلش" کودتا براه افتاد بچشم سر مشاهده کردند. رويزونيستهای
افغاني که از هیچگونه دنائت، کرنش و شوکت در جرم وطن فروشي های ظاهرش
و دود شاه برای کسب قدرت دریغ نکردند، اینک پیمان وطن فروشي خود را در
قبال کرامت اربابان خویش سر از نو عقد کردند.

دارودسته تره کدبیرک در هر قدم حرکات دولت ضد خلقي شوروی را که برگردان
مردم افغانستان پا میگذشت همرا کنان استقبال کرده اند. ظاهر شاه را بتامی از سفر
بشوروی دست بوسیدند و بخاطر تمایلاتش او را شرقي، دموکرات، حامی مردم و حافظ
حقوق شان خواندند و سرهای دموکراسي، پارلمان و قانون اساسي او را سرودند.
برای دود شاه خون رقصیدند، جاسوسي کردند و او را عنصر چپ نامیدند. خلاصه
تره کدبیرک هر "گلي که به لب ریختند" همه بیاس گل روی روسها بود. نغمه ها
سرودند همه برای درگشائي روسها به افغانستان.

تره کدبیرک قرار داد گاز را بقیمت يك بر سم نرخ بين العلي ان عادلانه
خواندند زیرا که ~~مکد~~ افغانستان منبع غني ندارد تا مصارف تمدید پایب لاین

را به اروپا جبران و بعداً "بخرش بین المللی بفروش رسد . بنا "روسها" برای جلوگیری از هدر رفتن گاز " و بمنظور "کمک اقتصادی" با افغانستان حاضر شدند انرا خریداری کنند ! اگر این عبارت را از زبان تره ک-بیرک بزرگان يك افغان بفرسي ترجمه کنیم چنین میشود : چون افغانستان امکانات اقتصادی تمديد پایب لاین گاز را تا اروپا ندارد بنابراین گاز در مارکیت چپاولگران اروپائی عرضه شده نمیتواند لذا خرسهای مکوبي دغدغه انرا تناول میکنند . تره ک-بیرک که سنگ انقلاب بسینه میکنند درین تحلیل ماهیت ارتجاعی خود را اشکار میسازند . بدینمعنی که بخرم انها قیمت گاز افغانستان را رقابت مارکیت های اروپا تعیین میکنند نه عرق جبین و نیروی بازاری کارگران و زحمتکشان افغانستان که دولت تنزیل بگیر شورای خود را از ان نرسه تر میسازد ؟! بدینمعنی که دولت خائن شورای با سرمایه گذاری و انحصار خود تفاوت نرخ را به جیب میزنند نه محصول رنج کارگر افغانی را که خود در بدترین شرایط برای تخمین، پخت و پز از فطره حیوانات و گیاه های دشتی استفاده کرده و زمستان های سرد را سپری میکنند ! اگر منطق این باشد بسادگی شورای را هم میتوان کشور سوسیالیستی قبول کرد که سنگ برین منطق برزنی !

کارگران، کارمندان و کارشناسان افغانی بارها ارزیابی خائنه متخصصین روسی را از منابع گاز، نفت، ذغال ... افغانستان افشا کرده که منجر به برطرفی، تهدید و زندانی شدن شان گردیده است . زمانیکه کارگران، کارمندان و کارشناسان افغانی بر ضد خیانت های دولت شورای دست بافشاگری و مبارزه پیگیر زدند - روسها خائنه ذخیره - گاه گاز را اتش زدند که اتش سوزی ان ماه ها طول کشید و ملیونها افغانی گاز افغانستان قربان غضب خرس های روسی گردید . ولی دارودسته تره ک-بیرک پیشروان اعمال و قرارداد های چپاول گرانه روسها بدفاع برخاسته بر ضد افغانها بطرفداری از روسها موضعگیری و بر خلاف ارزیابی کارشناسان افغانی سروی غرضالود روسها را قابل اعتبار خوانده اند . تره ک-بیرک که در بیخوردی هم از بیوجدانی دست کپی ندارند ، دودسته بمسطه با داران روسی خود چمپیده منبع گاز افغانستان را ناچیز جلوه میدهند تا ریا خواری دولت تنزیل بگیر شورای را از ثروت مردم افغانستان تبرئه کنند . در حالیکه اگر بکوشند این مسقطه را اندکی نزدیک سطح خرد انسانی تحلیل کنند بزودی پی خواهند برد که اگر گاز

افغانستان منبع غني نداشت دولت شوروی چگونه استخراج خریداری انرا برای مدت طولاني بيست سال انحصار کرد؟! هر گاه تره نـبـېـرن در روشني اين تحليل بر بـيـخـردی خود فائق ايند . درمان بيوجداني شانرا خلق افغانستان خواهد کرد و انها را در موضع مردم افغانستان خواهد کشاند!

کودتا چيان که با هزار ها من سرش کوشيده اند قبای انقلابي بر چهره خود و اربابان روسي شان بـزـنـنـد امتيازات بيحد و حصر دولت شوروی را در افغانستان توسعه داده اند . در عرض چند ماه بعد از کودتا ده ها قرار داد اقتصادي اضافي و پروژه هاي پرسودی را مانند قرار داد ساختن يك مجتمع ذوب مس ، سرمايه گذاری بيشتري شوروی در دستگاه برق حرارتي مزار شريف ... را بـرـوـس و اگـذار کردند تا از يکطرف سرمايه هاي انباشته شده شوروی بدوران بهرگيري افتد و از جاني دولت ضد خلقي شوروی را در انظار عامه دايه مهربان جلوه دهد .

کود يوريا افغانستان که دارای کیفیت عالي بوده دولت خائن شوروی خریداری انرا پائيتـسـر از نرخ بين المللي در بارجامه هاي پلاستيکي ساخت جاپان که بايد افغانستان انرا خریداری کند انحصار کرده است . هزار ها تن کود يوريا که نظر باشکال مواصلاتي بارجامه هاي جاپاني ، در بارجامه هاي عادی به بندر حيرتان انتقال داده شده است از طرف روسها مسترد گردیده و بهصارف افغانستان دوباره بگدام انتقال و قسمت زيادی از ان در انبارندگي ، خسارات حمل و نقل وغيره عوامل تلف گردیده است . دولت شوروی کود يوريا افغانستان را بالای اقرار اروايش بفروزش رسانده از دلالي ان مليونها افغاني ثروت مردم افغانستان را بجيب ميزند .

سمنت افغانستان که در فابريکه هاي سمنت غوري و جبل السراج توليد ميگردد دبنرخ يـت بر سم تا يـک بر ششم (در مواقع قلت و احتکاران توسط کميشنکاران) آنچه خود مردم افغانستان برای خریداری يـک خريطه ان ميپردازند بـرـوـيـه صادر ميگردد . در حالیکه مردم افغانستان در بد ترين شرايط بي مسکني بسر ميبرند و صبح هاي زود تا شام هاي دير با دستگاه هاي بيروکراتيک چنه ميزنند تا امر خریداری پنجاه خريطه سمنت را بدست آورند . سر انجام امر بيروکرات که در بدل رشوه گزافي در پهلوی روشناسي رواسطت بدست آمده نظريه اينکه ماه ها در مناظره توزيع سمنت وجود ندارد ، يا مقفود و يا هم بوسيده ميشود . ولي دولت تره کي بهيجوجه حاضر نشده صدور سمنت را بشوروی قطع و يا حد اقل تقليل دهد چون از توانش خارج و از خواستش دور است .

محصولات فارم هده ولایت تنګرهار، پنبه ولایات شمالي وغيره میوه جات خشت و تازه کشر بعد از انتقال به بندر از طرف روسها بخواست خود سان درجه بندی میشود. روسها این اقلام صادراتی افغانستان را عمده‌ایات تا دو درجه پائینتر از ستندرد بین‌المللی آن صورت میکنند که مقامات افغانی اصلاً حق هیچگونه ابراز نظر و یا اعتراضی را ندارند. در غیران تماماً اقلام را مسترد و افغانستان را متهم به نقض قرار داد و محکم به "جبران" آن میکند.

دولت شوروی نظریه ما هیت ارتجاعی‌ش تنها بچپاول افغانستان اکفا نکرده بر جغای میاست تجاوزیش خواستار تطبیق پلان های شوم خویش برای بدست آوردن نقاط استراتژیک در منطقه میباشد. دولت تیره‌کی این سک زنجیری سوسیال امپریالیسم روس برای تأمین ارزو های دیرین بآداران خود دیر یا زود مسأله پشتونستان را حاد و حاد تر ساخته میخواهد مردم افغانستان را در خدمت سیاست جهانگشایی روسها قرار دهد. تیره‌کی که اکنون به پیروی از سیاست ضد خلقی دولت شوروی "صلح"، "دموکراسی" ... تشخوار میکند، رویانی جز جنگ افروزی و ژاندارم شدن در منطقه چیزی بسر ندارد. سفر حفیظ‌اله امین به کوبا و دفاع از سیاست کاسترو و این پیاده شطرنج روس در امر توسعه مستعمرات شوروی بیانگر تصورات ابلهانه تیره‌کی و داور و دسته اش میباشد.

دولت تیره‌کی و اربابان روسی اش کشور خوانده اند. خلق افغانستان هرگز حاضر نخواهد شد گوشت دم توپ و قربانی سیاست جنگ افروزان روس در زیر شعار "صلح"، "دموکراسی" ... شوند. تیره‌کی باید بداند که این ارمان را با خود بگور خواهد برد چه حنای کاسترویم در بین خلقهای جهان دیگر رنگ باخته است. در انزمان که کاسترویم توانست بطور نسبی در افریقا پایه ای ایجاد کند، فقط رادیکالیسم انقلابی آن در برانداختن رژیم فاشیست (موضعگیری جسته گریخته اش بر ضد امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی بود. ولی از هنگامیکه کاسترو به موشی دایان (بیکن امری) افریقا و کوبا با اسرائیل افریقا تبدیل گردید، خلقهای جهان مقام کوبا را در مدار شوروی و جای کاسترو را زباله دان تاریخ تعیین کردند.

دولت تیره‌کی با پایه های لرزان و نداشتن کوچکترین نقطه اتکائی در بین مردم که داغ روز و نیمروز حتی قبل از کودتا در جیب‌ش می‌درد خشید، به‌هیچوجه قادر بر ژاندارم شدن منطقه نخواهد بود. هر چند ملتاریسم شوروی در تجهیز آن مذبوحانه تلاش می‌ورزد. در یک کلام دولت تیره‌کی و بآداران خارجیش ناگزیرند بفرمان امرانه تاریخ که خلقها خواستار آزادی اند و ملل خواهان استقلال گوش فرا دهند.

رغم روزیستهای افغانی هر چند با بسوق و کرنا ی روسی "ارکستر سفانی معاصر" اجرا میشود برای مردم افغانستان که از دلق بازی ظاهرشاه و داود شاه بطوح آمده بودند تعجب اور است. موج مبارزات مردم - نفرت بین ازحد روشنفکران انقلابی - استعمال سلاح های شوروی برای سرکوب جنبش خلق - پناه بردن روزیستهما بدستگاه های فرتوت ظاهرشاهی و داود شاهی برای خفه کردن صدای اعتراض مردم - دندان سپید کردن نور محمدتیره کی بر بیرک کارمل و بیرک کارمل بر نور محمد تیره کی بالای بقایای کثیف سلطنت ماهیت ضد انقلابی روزیستهای وطنی را روز تا روز در عمل ثابت کرده و بلغت رنگ باختن شان در انتظار عامه گردیده است.

دولت روزیستهای وطنی بایادی کارشناسان روسی برای جلوگیری از تجرید شدن بیشتر خویش دست بفعالیت های تبلیغاتی زده می خواهد گرد و خاک لعنت را که مردم تشارشان میکنند با تبلیغات از سر صورت طعمون خود شستشو کنند. دولت بر علاوه هیا هوئیکه در داخل کشور بر راه انداخته از طریق نمایندگی های سیاسی ظاهرشاه و داود شاه در خارج از کشور که اکنون در خدمت دولت ضد مردمی شان قرار گرفته مقالاتی انشاء و به نشر میسپارند. مرزا بنویس ها و اجیران سفارت دولت در امریکا با هرزه درائی و پسر رژی خاصی که فطرت انهاست توسل جسته به پخش تشراتی بی سرو ته بنام محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور دست زده اند. این شارلتن های سیاسی باز هم میخواهند بادست جعلکار خود بر محصلین - دانشجویان و روشنفکران افغانی در خارج از کشور لجن پلنیده بر انها تجارت سیاسی کنند. تصورات کودکانه مغز علیل شان شان دهنده دست و پاچگی انهادر مقابل جنبش خلق و نفرت بی پایان روشنفکران انقلابی در داخل و خارج از کشور است. سفارت دولت ضد خلقی افغانستان در امریکا دست به پخش تشریه مبتذلی بنام "خیبر" زده و انرا "تشریه خبری محصلین و جوانان دموکرات" افغانستان وانمود کرده است. "تشریه خبری محصلین و جوانان دموکرات" تشریه کیدی که فقذ بمزاج نوکران سوسیال امپریالیسم شوروی برابر است. بنظر محصلین، دانشجویان، روشنفکران انقلابی و افغانهای مقیم خارج یک تشریه ارتجاعی و وابسته بدولت ارتجاعی افغانستان است. محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور دیر زمانی است بفحشای سیاسی روزیستهما وطنی و درک کودکانه شان از مسائل اشنائی دارند.

در پی راه گشی تشویه مبتذل "خیبر" بصراحت نشان میدهد که گردانندگان ان اجیران سفارت ضد خلقی افغانستان در امریکا بوده و جز بازگو کردن لا طائلات اربابان شان در داخل کشور چیزی بیش نمیدانند. کارگردانان دولت ضد مردمی افغانستان در حالیکه شکست قطعی خود را در سیاسی ثنویت - سیاسی بین محصلین و دانشجویان و سائر اقشار خلقی درک کرده اند "خیبر" را برای شستشو دادن خود که گویا در بین محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور جا دارند به نشر سپرده تا انرا بمنابه علامت تأیید دولت خوش برج خلق افغانستان و جهانیان بکشاند. غافل ازینکه محصلین و دانشجویان رزمنده افغانستان در خارج از کشور همانند پدران، برادران خواهران و مادران ستمدیده خود که زیر چکمه های ریزونیزم بسر میبرند با قلبهای انگده از خشم نفرت بر ضد تیره - بیرک این نوکران سوسیال امپریالیسم روس - چارزه میکنند محصلین و دانشجویان افغانستان خواستار خونهای هر قطره خون پاک هزاران فرزند شهید کشور خود استند که با شیریه جان مادران ستمدیده وطن بزرگ و بیهوده در راه کودتا و کودتا بازی امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها روسی ریخته شده میباشد.

محصلین و دانشجویان دلیر افغانستان در خارج رسالت تاریخی خود را در برابر تاریخ و وطن و مردم خوش درک کرد بهیچ نیروی اجازه نخواهند داد بر انها تجارت سیاسی کرده و مواضع شان را به لوث کشاند. محصلین و دانشجویان وطنپرست افغانستان برای دفاع از اندیشه های ملی و انقلابی خوش توطئه های دولت ارتجاعی افغانستان را افشا کرده و بداء بلند اعتراض خود را بر ضد هر دو ابر قدرت و نوکران داخلی شان و دارودسته های تیره - بیرک و "اخوان المسلمین" بکوش خلقهای جهان و خلق رزمنده کشور خوش میرسانند. مبارزات محصلین و دانشجویان افغانستان بخش تفکیت نا پذیر مبارزات مردم بوده و با جنبش خلق در راه سرنگونی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم پیوند ناگسستنی و ارگانیک دارد.

مرتجعین و اپورتونیستهای رنگارنگ در هر فرصت کوشیده اند توده های مبارز افغانستان را از فرزندان سان جدا کرده و بشیوه های تفرقه انداز و حکومت کن بعممر تنگی خود ادامه داده اند. دولت ظالم - شاه و چاکران او ان الشیاطین و با صدور حکم تکفیر انقلابیون و تبلیغات ارتجاعی شان کوشیده اند بین مردم و فرزندان شان فاصله ایجاد کنند تا سلطه شوم امریکا و ارتجاع غرب را در افغانستان حمایه کنند. دارودسته تیره - بیرک نیز این شمشیر فرسوده را با صیقل ریزونیزم جلا داده محصلین و دانشجویان را هوا خواه و وابسته بخود نشان میدهند تا در جنبش رخنه کرده بین خلق و فرزندان شان تفرقه اندازند. دولت ضد انقلابی میکشد و انمود سازد

که محملین و دانشجویان افغانی با اعمال خائنانه اش موافقت دارند . در حالیکه واقعیت درست عکس تبلیغات خائنانه آنها بوده ، محملین و دانشجویان سرکوب و حبیانه مردم شریف افغانستان را که توسط ارتش ارتجاعی دولت با سلاحها و کارگزاری کارشناسان نظامی روسی صورت میگیرد جدا تقبیح نموده برضد اعمال فاشیستی شان مبارزه میکنند .

محملین و دانشجویان انقلابی کشور از اولین روز های ایمن روز و نیز در افغانستان تراژدرون جنبش انقلابی مردم سقط و علیه ان مبارزه کرده اند . سپاسی تئوریک - سیاسی و ایدئولوژیک شانرا که از زراد خانه خروشف این ملعون تاریخ منشا میگیرد بر ملا ساختند . شعله مبارزات روشنفکران انقلابی اصالت خروشی روزنیستهای افغانی را در هر کجائی که خواسته اند درصوف جنبش انقلابی لانه سازند افشا کرده است .

دارودسته تروتسکیست - بیروت پس از کودتای ۲۷ نور ۱۳۵۲ خود را بر خلق افغانستان تحمیل و با شعبده بازی سیاسی در پی جلب توجه خلق بپا خاسته کشور بر آمدند . استاد شعبده باز گلوله های نفیل خارج از تصور را از دهن بیرون میریزد و سر رشته کلفذ الوان بدست شاگرد میدهد تا انجائیکه تماشاچی خواسته باشد از حلقم استاد کشیده شود و زمانی هم طبل و نی سر میدهد تا قدرت افسون خود را نمایش دهد . شاگرد که در عطر رسیدن ب مقام استاد است در حقانیت افسون استاد سر میجنبانده ، اه میگوید و نجوا میکند . ولی هنگامیکه استاد سخت سرگرم هنر نمائی است ، بگه جنبائی ، اه و عطش ، ناله و نجوا شاگرد کم توجه میکند کاسه صبر شاگرد بپریز میشود گستاخانه با استاد حمله کرده چلنج قوت افسون میدهد . استاد خشمگین شده در درامدور شاگرد خط میکشد ، قصیده میخواند ، بکرامات پیرو اولیای خود رجوع میکند و در انتظار رسیدن کرامات چشم با سمان شمال میدورزد . هنوز لحظه ای نمیگذرد که شاگرد گستاخ شروع بزدن بر صورت میکند و وجودش با رتعاش سرگ می آید . شاگرد به عنف او تسلیم و با عذر و نیاز دستهایش را میوسد . استاد از عذاب و تعذیب بیشتر شاگرد منصرف و او را با خراج از صحنه نمایش تنبیه میکند . استاد با چهره موفق نمایش را گرم و گرم تر جلوه میدهد تا در ازلی کراماتش حق نمایش بیشتری نصیب گردد . مردم قبل از مقدمه گویی استاد شعبده باز برای جمع آوری حق نمایش صحنه را ترک و برریش این صحنه سازان میخندند .

خلق دلیر افغانستان در حالیکه وابستگی کامل دولت ضد انقلابی افغانستان را درک کرده اند شجاعانه در گیر مبارزات رود روی بان میانمند . محملین ، دانشجویان و افغانهای خارج از کشور برای دفاع از مواضع انقلابی و ملی خویش در تاقید مبارزات مردم ماهیت قلابی دارودسته تروتسکیست را با تاریخچه و ظفروشی ، سازشکاری و ضد انقلابی بودن شان افشا میکند .

خلق شریف افغانستان با درک ماهیت چاکر متشانه دارو دسته تره ت - بېرك سترجارتزي خود را فراموش نكرده بمقاومت هميشگي خويش ادامه داده اند. اين مقاومت در مقابل استعمار اقتصادي، فرهنگي و مداخلات سياسي نظامي روس بيش از بيش شدت يافته و تا قطع كامل نفوذ سوسيال امپرياليسم شوروي و امپرياليستهاي امريكايي ادامه خواهد داشت. روشنفكران شريفسي كه تا ديروز كودتاي تره ت - بېرك فريب شان را خورده بودند پس از كودتا و پست گشتاندن روزونيستها ب مردم از آنها بريده براي مبارزه بر ضد روسها و نوكران داخلو. شان در صف مردم پيوسته و ميوندند. روشنفكران انقلابي مجدانه كوشاست تلاش هاي شيادانسه " اخوان المسلمين " را كه ميخواهد رهبري جنبش خلق را بسود امپرياليسم امريكا و ارتجاع غرب بهمكاري ريزه خواران خوان ضاهرشاه و دود شاه بدست گيرند افشا و نقش بر آب سازند. محصلين و دانشجويان انقلابي در حاليكه مبارزات خلق بر ضد سوسيال امپرياليسم شوروي را بنظر قدر نگرسته ماهيت بانداخوان الشياطين، اين جاسوس هاي امريكايي را كه با قبای روحانيت و دفاع از روحانيت خود را پوشانده اند، افشا ميكند. اخوان الشياطين كه مزورانه ميخواهد در بين جنبش مردم نفوذ و مبارزات انقلابي نوده ها و روحانيون مشرقي افغانستان را به لوث كسانده دشمنان خلق و جنبش افغانستان اندكه در كينه تيزي با خلق افغانستان از دارو دسته تره ت - بېرك هيچ دست كشي ندارند. خلق افغانستان براي رسيدن بازادی يعني راندن سوسيال امپرياليسم شوروي و ترد امپرياليسم امريكا و غرب از افغانستان بپا خاسته اند و در راه بدست آوردن اين ارمان والای خويش شهيدان بيشماري داده اند كه يقيناً خون سرخ شان بياراور كردن درخت آزادی افغانستان و روياندن لاله هاي رنگين آزادی خواهد انجديد.

كارگران، دهقانان، روشنفكران و روحانيون مشرقي با هم متحد شويد - دست تجاوزكاران روسي را از افغانستان کوتاه و توطئه هاي امپرياليسم امريكا را افشا كيد !

دارو دسته تره ت - بېرك را سرنئون و اخوان الشياطين را از صفوف خود ترو كيد !

به پيش بسوي افغانستان آزاد، آباد و مستقل !

مردم افغانستان خواستار اخراج فوري روسها از افغانستان

است

دست تجاوزكاران روسي از افغانستان کوتاه !